

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه
کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی

موضوع

نفی در گونه شرقی گویش مازندرانی

استاد راهنما

آقای دکتر سید مصطفی عاصی

استاد مشاور

آقای دکتر محمدحسین کشاورز

پژوهشگر

محمدرضا فخر روحانی

نیمسال دوم ۷۵-۱۳۷۴

فهرست مطالب

صفحه.....	عنوان
الف	پیشگفتار
۱	نفی در گونه شرقی گویش مازندرانی
۱	- فصل ۱: مقدمه
۱	زبان، گویش، لهجه، گونه
۲	گویش‌شناسی
۴	ارزشی و کاربرد گویش‌شناسی
۴	منطقه مورد بررسی
۶	وضعیت زبانی
۷	پانوشت‌ها
۱۵	- فصل ۲: نفی
۱۵	نفی به مثابه یک ویژگی جهانی
۱۶	سابقه بررسی نفی و دیدگاه‌های مورد بحث
۱۷	نقش‌ها و مکانیزم نفی
۱۹	نقدی بر نظریه گیون
۲۰	حوزه نفی
۲۱	تعریف کانون
۲۲	جایگاه عامل نفی
۲۳	گونه‌های نفی
۲۵	جزء و تکسواژ منفی

عنوان صفحه

۲۷	بررسی نحوی نفی
۲۸	واژه‌های با معنای منفی
۲۸	نفی مضاعف
۳۱	اقلام و عناصر قطبیت منفی
۳۲	عامل و جایگاه اقلام و عناصر قطبیت منفی
۳۴	کاربرد و نقش اقلام و عناصر قطبیت منفی
۳۴	انواع اقلام و عناصر قطبیت منفی
۳۶	گروه قیدی و کمیت نماهای منفی
۳۸	سلسله مراتب کمیت نماهای منفی
۳۹	ارتقاء نفی
۴۰	هماهنگی منفی
۴۱	پانوشت‌ها
۴۹	- فصل ۳: چهارچوب و ابعاد تحقیق حاضر
۵۲	- فصل ۴: بررسی نفی در گونه شرقی گویش مازندرانی
۵۲	مقدمه
۵۲	ریشه‌شناسی
۵۳	پاسخ یک کلمه‌ای منفی
۵۳	جایگاه عامل نفی
۵۳	نفی معیار و عامل آن
۵۴	طبقه‌بندی ساخت فعل‌ها و صورت‌های منفی آنها

صفحه.....	عنوان
۵۶	تکواژ گونه‌های عامل نفی- <i>næ</i>
۵۹	نقد نظر دکتر ثمره مبینی بر میانوند بودن - <i>ni</i>
۶۰	گونه - <i>ne</i>
۶۲	گونه - <i>nu</i>
۶۳	فعل‌های ربطی و صورت‌های منفی آنها
۶۴	قاعده‌های نفی فعل ربطی و اژه بست {- <i>ε</i> }
۶۵	صرف تکواژ آزاد فعل ربطی از مصدر <i>hæsten</i> (هستن)
۶۵	مصدر فعل ربطی <i>biyen</i> (بودن)
۶۶	فعل ربطی <i>bæviyen</i> (شدن)
۶۸	نهی
۷۱	نفی در زمانها و نمودهای گوناگون
۷۹	نفی از نظر نحوی
۸۱	نفی مضاعف
۸۳	ارتقاء منفی
۸۴	هماهنگی منفی
۸۵	نفی تقابلی
۸۶	واژه‌های منفی
۸۷	اقلام و عناصر قطبیت منفی
۹۰	کاربردشناسی نفی
۹۹	پانویس‌ها
۱۰۱	- کتابنامه

فهرست نمودارها و نقشه‌ها

صفحه.....	عنوان
۱۰	موقعیت گویش مازندرانی در خانواده زبانهای ایرانی
۱۱	توزیع منطقه‌آ گویش‌های ایرانی
۱۲	استان مازندران در ایران
۱۳	استان مازندران
۱۴	نوکنده در استان مازندران

تقدیم به :

- ۱- پدر و مادر عزیزم
- ۲- همسر گرامی ام
- ۳- تمامی آنانی که رنج برکشیدند را برتافته اند.
- ۴- آنانی که برای پیشرفت علم و اخلاق اسلامی و تعالی معرفت بشری می زیند نه آنکه علم را برای راحت تر زیستن خویش بخواهند.

پیشگفتار

پایان نامه حاضر پژوهشی است درباره پدیده نفی در گونه شرقی گویش مازندرانی، انتخاب گویش مازندرانی برای این پژوهش به چند دلیل بوده است: نخست آنکه این گویش کمتر از سایر زبانها و گویش‌های ایرانی از نظر زبانشناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. نگاهی به فهرست مقاله‌های مجله زبانشناسی و عنوان پایان‌نامه‌ها این را روشن می‌کند.

دوم آنکه نگارنده خود به این گویش آشنا است و بالاخره، زمینه کار برای پژوهش روی این گویش فراهم‌تر بوده است. پژوهش حاضر تقریباً یکسال و نیم به طول انجامید.

کسانی که در این مهم کمک کار و یاریگر نگارنده بوده‌اند به قرار زیر هستند:

- استاد جناب آقای دکتر سیدمصطفی عاصی، استاد راهنمای پایان‌نامه، که همواره مشوق

اینجانب در گویش‌شناسی بوده‌اند

- استاد جناب آقای دکتر محمدحسین کشاورز، استاد مشاور، که بر در نظر گرفتن جنبه

اجتماعی زبان تکیه می‌کردند.

- استادان آقایان دکتر محمدتقی راشد محصل و دکتر یحیی مدرسی که همواره ضرورت

انجام دادن مطالعات زبانی ایرانی را یادآور می‌شدند.

- سرکار خانم گیتی شکری، گویش‌شناس و پژوهشگر محترم گویش مازندرانی در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، همواره تجربه‌های ارزشمند خود را در اختیار

اینجانب گذاشته‌اند. ظرایف بسیاری را درباره کار روی گویش مازندرانی از ایشان فراگرفته‌ام،

چه آنکه ایشان خود اهل ساری هستند و به این گویش تسلط دارند.

- آقایان دکتر محمد دبیر مقدم، استادبهاء‌الدین خرمشاهی و استاد محمدتقی دانش‌پژوه نیز

کمک‌های ارزشمندی را ارائه داده‌اند که ذکر یکایک آنها مقدور نیست. از همگی‌شان سپاسگزارم.

دیگر کسانی که کمک‌های ارزشمندی نموده‌اند به قرار زیر هستند: جناب آقای حاج محمدجعفر شربتی، پدربزرگ گرامی‌ام که آرشیو شخصی خود را همیشه در اختیار اینجانب گذاشته‌اند؛ آقایان ابوالقاسم و محمدابراهیم کاویانی که گاه آخرین گویشواران برای بازبینی مواد گویشی بوده‌اند؛ آقایان مهندس زاهدی و مهندس جلیلی (مستولان جهاددانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، تهران) و نیز خانم شهره سلطان محمدی و خانم زیبا وجدی که کار تایپ را انجام داده‌اند. جا دارد که از گردانندگان کتابخانه پژوهشگاه نیز تشکر فراوان نمایم.

از آنجا که منابع علمی این تحقیق در داخل کشور بسیار اندک بوده، اساتید و پژوهشگرانی که نامشان در ذیل می‌آید، کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی برای اینجانب فرستاده‌اند که از آنان سپاسگزاری می‌شود. صورتی از نام‌های آنان به قرار زیر است: از آمریکا؛ ری چکندوف، آرنولد زویکی، تالمی گیون، مارسیا لاین بارگر، ویلیام برایت، چارلز هاکت، یوجین نایدا، فردریک کسیدی و کنث پایک. از انگلستان، جان روپر، پل راولت، جان سینکلر، جورج واتسن و پی. اچ. ماثیوز. از هلند؛ جوزپ کیر و آنتون وِن بر وُدن. از آلمان؛ ورنر ولته. از سوئد؛ اوستن دال. از ژاپن؛ یاسوهیکو کاتو و از مجارستان؛ مارک نیوسان.

از آقایان مرتضی محسنی و حسین کردی (مدرسان دانشگاه پیام نور بهشهر) به خاطر کمک‌های مفیدشان تشکر می‌کنم.

در پایان جا دارد که از همسر گرامی‌ام سرکار خانم ر- کاویانی تشکر کنم. ایشان همواره با دقتی فراوان بهترین زمینه‌های کارهای میدانی گویش شناسی را فراهم آورده و تقریباً همیشه اولین گویشور برای آغاز هر بخش از کار بوده‌اند. شاید اگر کمک‌های ایشان نبود، هرگز توفیق چنین پژوهشی را نمی‌یافتم. این پایان‌نامه را متواضعانه به ایشان تقدیم می‌دارم.

نفی در گونه شرقی گویش مازندرانی

فصل ۱: مقدمه:

زبان، گویش، لهجه، گونه

زبان به دلیل سرشت خاص خود، همواره توجه دانشمندان را بخود جلب کرده، هر دسته‌ای از آنان تعریف‌هایی در تبیین زبان ارائه نموده‌اند. هر کدام از این تعریفها چارچوب نگرش آن زبان‌شناس را به دست می‌دهد.

از جمله تعریف‌هایی که تاکنون در دست هست، چند تعریف ذکر می‌شود: وردها و *Wardhaugh* زبان را به این صورت تعریف می‌کند: «زبان نظامی ساخته شده از نمادهای آوایی قراردادی است که برای ارتباط انسان به کار می‌رود.»^۱ ساپیر (*Sapir*) دو تعریف از زبان ارائه می‌کند که به قرار زیر می‌باشند: «زبان روش کاملاً انسانی و غیر فطری داد و ستد عقیده‌ها، احساسات و خواسته‌ها به کمک نظامی از نمادهایی که به اختیار تولید شده‌اند می‌باشد.»^۲ ساپیر در جای دیگری زبان را بدین‌گونه تعریف می‌کند که «... زبان ابتداءً نظامی از نمادهای آوایی به منظور بیان اندیشه و احساس قابل انتقال می‌باشد.»^۳ تعریف دیگری از زبان این است که «هر زبان مجموعه‌ای است از گونه‌های فردی، اجتماعی و جغرافیائی»^۴ در این راستا، اصطلاح گونه بدین صورت تعریف می‌شود که «گونه اصطلاحی خنثی است که به طور کلی در مورد هر نوع زبان یا گویشی به کار گرفته می‌شود. براین اساس، هنگامی که از یک نظام زبانی بدون تأکید بر زبان، لهجه یا گویش بودن آن سخن گفته می‌شود، می‌توان از اصطلاح عام‌گونه استفاده کرد... برخی از زبان‌شناسان نیز اصطلاح گونه را در مورد آن دسته از نظام‌های زبانی به کار برده‌اند که دارای وجوه اشتراک بسیار و تفاوت‌های کمی هستند و امر تفهیم و تفاهم میان گویندگان آنها کاملاً و بدون مشکل عمده‌ای امکان‌پذیر است.»^۵ در اینجا، باید گفت که زبان معیار (*standard language*) به این شکل تعریف شده است که «گونه‌ای است که تا آن حد بدقت پرورانده شده که از نظر صورت کمترین گوناگونی و از نظر نقش بیشترین کارایی را داشته باشد.»^۶

زبان‌شناسان تعریف‌هایی برای اصطلاح «گویش» به دست داده‌اند که در آنها، از معیار «درک

متقابل) (*mutual intelligibility*) استفاده شده است. لمن *Lehmann* می‌گوید: «از نگاه فنی، این گونه صورت‌های بطور متقابل قابل فهم گفتار بعنوان گویش‌ها شناخته می‌شوند. و اصطلاح زبان برای صورت‌های به‌طور متقابل غیر قابل فهم گفتار به کار می‌رود».^۷ مدرسی تعریف بهتری از گویش ارائه می‌دهد: «هرگاه دو گونه، بدون آموزش آگاهانه، در حد ایجاد ارتباط معمول برای گویندگان یکدیگر قابل فهم باشند، آن دو گونه، دو گویش متفاوت از یک زبان واحد محسوب می‌شوند و غیر این صورت، باید آنها را دو زبان جداگانه دانست».^۸

برخی از تعریف‌های دیگری که برای گویش ارائه شده‌اند به صورت زیر هستند. لمن می‌گوید که «تقسیم‌های ریزتر یک زبان بعنوان گویش‌ها شناخته می‌شوند»^۹ که این تعریف بیشتر از دید زبان‌شناسی تاریخی مطرح است. در تعریف‌های دیگر از گویش، به ویژه با تکیه بر دید اجتماعی، چنین آمده است که «گویش ... به گونه نازل‌تری از یک زبان، بدون در نظر گرفتن میزان تفاوت زبانی اطلاق می‌شود».^{۱۰} همچنین «بطور سنتی ... گویش‌ها از نظر اجتماعی پایین‌تر از شکل «صحیح» زبان تلقی می‌شده‌اند».^{۱۱} رُمین *Romaine* اصطلاح گویش را برای «گونه زیر مجموعه یک زبان» به کار می‌برد و می‌گوید «گویش محلی گونه زبانی‌ای است که با محلی پیوند دارد».^{۱۲} شاید بتوان گفت که تعریفی که آمون (*Ammon*) از گویش بدست می‌دهد، یکی از دقیق‌ترین تعریف‌ها است، به این صورت که «(۱) دست کم زبان دیگری هم هست که با گویشی دارای سطح بالاتری از تشابه است، (۲) از نظر منطقه‌ای زبانی دیگر بعنوان بخش معینی از آن در درون آن وجود ندارد و (۳) نه نظام نوشتاری، نه تلفظ، نه واژگان و نه نحو آن به لحاظ صورت یکدست شده می‌باشد».^{۱۳}

تفاوت میان گویشی و لهجه در این است که «لهجه تنها ناظر به طرز تلفظ یک گونه است، و در عوض با یک گویش از گویش‌های دیگر همان زبان حداقل در سه سطح از نظام تلفظی، دستور یا نحو و واژگان تفاوت دارد».^{۱۴}

برپایه آنچه که گفته شده، فارسی و مازندرانی هرکدام زبانی مستقل به حساب می‌آیند. چه آنکه بدون آموزش، ارتباط متقابل بین سخنگویان این دو گونه صورت نمی‌پذیرد. اما در مطالعات زبانه‌های ایرانی، چنین مرسوم و معمول بوده است که گیلکی و مازندرانی را در دسته گویش‌های کرانه خزر جای می‌دهند. کاربرد عنوان «گویش مازندرانی» نیز برپایه همین اصطلاح عام و رایج است.

گویش‌شناسی

در تعریف گویش‌شناسی (*dialectology*)، چیمبرز *Chambers* و تراگیل *Trudgill* می‌گویند که گویش‌شناسی «مطالعه گویش و گویشها است».^{۱۵} کسیدی *Cassidy* تعریف بهتر و روشن‌تری از گویش‌شناسی دارد و آن این است که: «گویش‌شناسی مطالعه گویشها است، یعنی مطالعه ویژگیهای گوناگون درون یک زبان، تاریخ آنها، تفاوت صورت و معنی، رابطه‌های آنها با هم، توزیع و بطور گسترده‌تر، صورتهای گفتاری‌شان آن گونه که از صورتهای نوشتاری‌شان متمایز هستند».^{۱۶}

درباره اهمیت گویشها، کریستال *Crystal* گویشها را بعنوان «منبع اصلی اطلاعات درباره فرهنگ عامیانه معاصر و پیشینه تاریخی آن» می‌داند.^{۱۷} در این راستا، «آگاهی از تاریخ، ساختار و نقش گویشهای امروزی آن چیزی است که گویش‌شناسی می‌تواند به دست دهد».^{۱۸}

گویش‌شناسی از لحاظ قدمت به زمان یونانیان بر می‌گردد که وجود گوناگونی جغرافیایی زبانی را برای اولین بار تشخیص دادند.^{۱۹} گویش ایونی (*Ionic*) را برای حماسه، آئولی (*Aeolic*) را برای غزل و اشعار عاشقانه (*Lyric*) و آتی (*Attic*) را برای نمایشنامه بکار می‌بردند.^{۲۰} در ادبیات انگلیسی، جفری چاوسر *Chaucer*، شاعر انگلیسی قرن چهاردهم میلادی، از لهجه شمالی انگلیسی برای صورتهای مضحک در «داستان ریو (*Reeve's Tale*)» بهره گرفت و همچنین ویلیام شکسپیر *Shakespeare* نمایشنامه‌نویس معروف انگلیسی، از لهجه غریب فلولین (*Fluellen*) که شخصی از اهالی ویلز (*Wales*) بود، سود جست.^{۲۱} شاید بتوان گفت که در ادبیات فارسی، شعرهای باباطاهر عریان هم از گویش لُری سود می‌برد که بیشتر نمایی از صفای باطن و صداقت و ایمان روستائیان را دارد.

آزمودن فرضیه نودستوریان که تغییرات آوایی بدون استثناء هستند از جمله اولین عوامل پرداختن به بررسیهای گویش‌شناختی بود. اولین اثری که در این باره منتشر شد، اطلس زبانی آلمانی اثر گنورگ ونکر^{۲۲} به سال ۱۸۷۶ است.^{۲۳} به‌طور کلی، از زمان شروع مطالعات گویش‌شناختی در بستر تحقیقات فقه‌اللغه در پایان قرن هجدهم میلادی، هدف اصلی از گویش‌شناسی توضیح سرشت گوناگونی زبانی بود که در کانون توجه فقه‌اللغه تطبیقی و گویش‌شناسی قرار داشت.^{۲۴} در سالهای اخیر، گویش‌شناسان، علاوه بر عوامل جغرافیایی، توجه خود را بیشتر به عوامل اجتماعی معطوف ساخته‌اند که از آن جمله سن، جنس، طبقه اجتماعی و گروه قومی می‌باشند.^{۲۵}

در آغاز تصور می‌شد که با بررسی گویشها صورتهای قدیم‌تری که بتدریج در حال از بین رفتن

هستند ثبت و ضبط شده و از این راه با مقایسه صورت‌های مشابه در زبانهای معیار با دست‌یابی به حلقه‌های مفقوده در بازسازی تاریخی و تطبیقی زبانها کمک کرده و مطالعه تحول تاریخی زبانها و گویش‌ها را دقیقتر انجام دهند.^{۲۶} گرچه گویش‌ها صورت‌های قدیم‌تری که زمانی رایج بودند را محفوظ نگه می‌دارند، اما در برخی موارد، گویش‌ها در مسیرهایی جدا از مسیر زبان و یا گونه معیار سیر می‌نمایند.^{۲۷} البته این همه جدا از تأثیر نفوذ زبان معیار از طریق رسانه‌های گروهی مانند رادیو و تلویزیون نمی‌باشد.

ارزش و کاربرد گویش‌شناسی

در این باره نتیجه‌گیری ایویچ Ivič بیان موجز و مفید است. وی می‌گوید: «توجه علمی به گویش‌شناسی در این حقیقت نهفته است که گویش‌ها منبع ارزشمندی از اطلاعات درباره فرهنگ‌های عامیانه هستند. گویش‌ها نه تنها تاریخچه یک زبان را منعکس می‌نمایند، بلکه تا حد زیادی تاریخ قومی، فرهنگی و حتی سیاسی یک گروه از مردم یا یک قوم را منعکس می‌سازد.»^{۲۸}

منطقه مورد بررسی

منطقه مورد بررسی در این پژوهش شهر نوکنده از حوزه فرمانداری شهرستان کردکوی است. شهر نوکنده با قدمتی بیش از پانصد سال،^{۲۹} با طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۵۱ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۶ درجه و ۴۱ دقیقه^{۳۰} در فاصله «۷ کیلومتری جنوب غربی بندر گز واقع شده»^{۳۱} که فاصله آن تا جاده اصلی که پاسگاه پلیس راه نوکنده در مجاورت آن قرار دارد در حدود یک کیلومتر است. نوکنده از سمت شرق در فاصله ۱۷ کیلومتری شهرستان کردکوی و در فاصله ۴۷ کیلومتری گرگان قرار دارد. از سمت غرب، فاصله آن تا شهر گلوگاه ۱۰ کیلومتر و تا شهرستان بهشهر ۳۰ کیلومتر است. (نقشه‌های جغرافیایی در پایان همین فصل مندرج هستند).

حدود چهارگانه نوکنده عبارت هستند: از سمت شمال به دریای خزر، از جنوب به کوهپایه‌های رشته کوه‌های البرز و ارتفاعات هزار جریب، از شرق به حدود روستای جفاکنده (با احتساب قریه مزنگ از توابع شهر نوکنده) و از غرب به روستای لیوان شرقی (با احتساب قریه تلور از توابع نوکنده).^{۳۲}

نوکنده که در گذشته از بزرگترین روستاهای بخش بندرگز از حوزه فرمانداری کردکوی بود، طی نامه شماره ۵۴۶۶۹/ت ۱۵۱ ک به تاریخ ۱۳۷۲/۹/۲۸ از سوی آقای دکتر حسن حبیبی، معاون اول رییس جمهور به وزارت کشور، به شهر شدن آن اشاره می شود. در بخش هائی از این نامه چنین آمده است: «اکثریت وزرای عضو کمیسیون سیاسی - دفاعی هیأت دولت در جلسه مورخه ۱۳۶۷/۸/۱۹ ... تصویب نمودند: روستای نوکنده و مزنگ از توابع بخش بندرگز شهرستان کردکوی واقع در استان مازندران، مجموعاً بعنوان شهر نوکنده شناخته شده و در محل مذکور شهرداری تأسیس شود... این تصویبنامه در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۲۳ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.» شهرداری نوکنده در روز ۱۳۷۴/۵/۶ افتتاح شد.

از نظر اجتماعی، نوکنده به سبب بزرگترین آبادی منطقه انزان بودن و همچنین واقع شدن در سر راه های روستاهای اطراف، همیشه محل مهاجرت روستائیان مجاور و حتی هزار جریب بوده است. جمعیت آن براساس آمار سرشماری سال ۱۳۷۰، برابر ۷۸۳۸ نفر بود.^{۳۳}

از نظر بافت اجتماعی، جمعیت نوکنده به طایفه های تقسیم می شوند که معروفترین آنها به قرار زیر هستند: منوچهری، نظری، کرد، ملاح، لر، جهانشاهی، مازنی، کشیر، شربتی، تک، شهاب، آهنگر، مردانی، بروانی، حسینی، یزدانی، بهرامی و اسلامی.

از نظر اقتصادی مردم نوکنده بترتیب فراوانی و یا اهمیت به کارهای زیر اشتغال دارند: کشاورزی، دامداری، مشاغل آزاد و خدمات دولتی. محصولات کشاورزی نوکنده عبارتند از: صیفی جات، مرکبات، سبزیجات، غلات، حبوبات و پنبه که مازاد آنها به اکثر شهرهای کشور صادر می شود.

به لحاظ آموزشی و علمی، نوکنده از گذشته ای دور دارای عالمان دینی بزرگی بوده که هر کدام طلبه های زیادی را تربیت کردند. هم اکنون نوکنده دارای مدارس به سبک جدید از دبستان تا دبیرستان هم هست. فارغ التحصیلان دانشگاهی و آموزش عالی آن از کاردانی (فوق دیپلم) تا دکترای پزشکی عمومی و تخصصی *PhD* می باشند. تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی نوکنده حداقل به بیش از ۱۲۰ نفر می رسد که اکثر این افراد در شهرهای بزرگ ساکن هستند.

وضعیت زبانی

ساکنان نوکنده به گونه شرقی گویش مازندرانی صحبت می‌کنند. گویش مازندرانی از دسته گویشهای کرانه خزر از دسته گویش‌های شمال غربی زبانهای ایرانی است.^{۳۲} این گویش امروزه رسم الخط معیاری برای خود ندارد و بیشتر بصورت گفتاری است تا نوشتاری رسمی، هرچند که به گفته فرای (Frye)، این زبان در قرن‌های یازدهم و دوازدهم میلادی (موافق با ششم و هفتم هجری و پنجم و ششم شمسی) به منزلت زبانی ادبی دست یافت.^{۳۵} از آثار ادبی گذشته به این گویش (که زبان طبری نیز خوانده می‌شود) می‌توان مرزبان‌نامه و دیوان شعر نیکی نومه اثر مرزبان بن رستم بن شروین پریم از ملوک آل باوند را نام برد که در اواخر قرن چهارم هجری نوشته شد.^{۳۶} از ادبیات شفاهی این گویش باید به اشعار امیری منسوب به امیر پازواری اشاره کرد که اولین بار در سال ۱۲۷۷ هجری قمری (موافق با ۱۸۶۰ میلادی) توسط برنهارد دارن (Dom) و به کمک میرزا محمد شفیع مازندرانی تحت عنوان کنز الاسرار مازندرانی در سن پترزبورگ روسیه چاپ شد. دیگر قسم از ادبیات شفاهی مازندرانی شعرهای طالب طالبها می‌باشد که به طالب آملی منسوب است.

امروزه گویش مازندرانی در محافل کوچک نیز برای سخنرانی بکار می‌رود و برخی برنامه‌ها از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز ساری و گرگان به این گویش پخش می‌شود. این گویش گاهی در بیان زبان حال مصیبت‌زدگان و واقعه کربلا و دیگر مرثیه‌ها به کار می‌رود که از آن جمله دیوان احمد مشمولی سساروی است. مجله گیله‌وا (منتشره در شهر رشت) و هفته‌نامه هاتف در آمل چندبرگی رابه مطالبی به این گویش اختصاص می‌دهند. این گویش، همانند سایر گویشهای ایرانی، با تداخل زبانی فراوان از سوی زبان فارسی روبرو است، به طوری که حتی در مناطق روستایی هم کودکان رابه فراگیری فارسی بعنوان زبان اول تشویق می‌کنند. غالباً مشاهده می‌شود پدر و مادری که خود زبان فارسی را با اشکال صحبت می‌کنند، فرزندان خود را وادار می‌کنند از طریق برنامه‌های صدا و سیما فارسی را یاد بگیرند. این روند هرچند که به فهم آنان در درک مطالب علمی به زبان فارسی کمک می‌کند، لیکن کمترین زیان آن از بین رفتن این گویش تا چند نسل آینده خواهد بود که در آن صورت دسترسی پیدا کردن به آن زبان ویاگویش و هم به فرهنگی که در ورای آن زبان است، چندان آسان نخواهد بود. (جدول موقعیت گویش مازندرانی در خانواده زبانهای ایرانی که از دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی مرحوم غلامحسین مصاحب و مقاله پین برگرفته شده است، در پایان همین فصل عیناً می‌آید.)^{۳۷ و ۳۸}

1. Ronald Wardhaugh, Introduction to Linguistics, 2nd ed. (New York: Mc-Graw-Hill, 1977), 3.
2. Edward Sapir, Language: An Introduction to the Study of Speech (New York: Harcourt Brace & world, 1921; London: Granada, 1978), 8.
3. Edward Sapir, "Language," in Encyclopedia of the Social Sciences, ed. Edwin R.A. Seligman and Alwin Johnson, vol. 9 (1933. New York: Macmillan, 1937), 155
۴. یحیی مدرس، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸)، ۱۳۱.
۵. همان ۱۳۲-۱۳۳.
6. S. Romaine, "Dialect and Dialectology," The Encyclopedia of Language and Linguistics, ed. R. E. Asher and J.M.Y. Simpson, 10 vols. (Oxford: Pergamon, 1994), 900.
7. Winfred P. Lehmann, Historical Linguistics: An Introduction, 2nd ed. (New York: Holt, Rinehart and Winston, 1973), 33.
۸. مدرس، جامعه‌شناسی زبان، ۱۳۴.
9. *Ibid.*, 3.
10. C. Gipper, and H.G. Widdowson, "Sociolinguistics and Language Teaching," in Papers in Applied Linguistics, ed. S. Pit Corder (1975), vol. 2 of The Edinburgh Course in Applied Linguistics, 4 vols. (London: Oxford UP, 1970-1975), 165.
11. Frederick G. Cassidy, Suzanne Romaine, and Tom McArthur, "Dialect," in The Oxford Companion to the English Language, ed. Tom McArthur (Oxford: Oxford UP, 1992), 290.
12. Romaine, "Dialect and Dialectology," 900.

13. Ulrich Ammon, "Vorbereitung einer Explizit Definition von "Dialekt" und benachbarten Begriffen mit Mitteln der formalen logik," in Aspekte der Dialekttheorie, ed. Klaus J. Mattheier, 27-68, (Tübingen: Niemeyer, 1983), qtd. in W. Nelson Francis, "Dialectology," in vol.1 of International Encyclopedia of Linguistics, ed. William Bright, 4vols. (New York: Oxford UP, 1992), 349.

14. Romaine, "Dialect and Dialectology," 900.

15. J.K. Chambers , and Peter Trudgill, Dialectology (Cambridge: Cambridge UP, 1980), 3.

16. Frederick G. Cassidy, "Dialectology," in The Oxford Companion to the English Language, ed. Tom McArthur (Oxford: Oxford UP, 1992), 300.

17. David Crystal, The Cambridge Encyclopedia of Language (Cambridge: Cambridge UP, 1987), 26.

18. Crystal, Encyclopedia , 26.

19. Romaine, "Dialect and Dialectology," 900.

20. W. Nelson Francis, "Dialectology," 349.

21. *Ibid.*, 349.

22. Georg Wenker, Deutscher Sprachatlas, 1876.

23. W. Nelson Francis, "Dialectology," 349.

24. Crystal, Encyclopedia , 84.

25. *Ibid.*, 26.

26. Romaine, "Dialect and Dialectology," 900.

27. *Ibid.*, 906.

28. Pavle Ivič, "Dialects," Encyclopedia Britannica, vol. 5, 15th ed., 700.

۲۹. فرهاد صحابی فرد سنگسری، جغرافیای تاریخی شهر بندرگز و روستاهای تابعه آن، (بی‌جا:

مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۲)، ۱۹۱.

۳۰. محمد حسن هراتی، «جزیره آشوراده و بندرگز» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۶۹، ۴۹. صحابی فرد سنگسری در جغرافیای تاریخی شهر بندرگز، ۱۸۹، این را بدین صورت ذکر می‌کند: طول جغرافیایی: ۵۳ درجه و ۵۵ دقیقه؛ عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۴ دقیقه.
۳۱. صحابی فرد سنگسری، جغرافیای تاریخی شهر بندرگز، ۱۸۹.
۳۲. نامه شماره ۹۲۸، به تاریخ ۶۵/۲/۱۱ از اداره ثبت اسناد بندرگز به بخش‌داری بندرگز. این نامه رونوشت سند مالکیت به شماره ۷۵۱۰ به تاریخ از وزارت دادگستری صادر شده که شماره ملک آن ۴ اصلی و شماره ثبت آن ۷ می‌باشد.
۳۳. نامه جوابیه سازمان برنامه و بودجه به آقای محمد جعفر شربتی، ساکن نوکنده، به شماره ۲۳/۸۷۳۸ و به تاریخ ۱۳۷۱/۵/۱۱.
۳۴. ای. ام. اُرانسکی، مقدمه فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه کریم کشاورز (تهران: پیام، ۱۳۵۸)، ۳۳۱.
35. Richard N. Frye, The Golden Age of Persia: The Arabs in the East (London: Weidenfeld and Nicolson, 1975), 174.
۳۶. اسماعیل حاکمی، گزیده‌ای از نثرهای مصنوع و مژین، چاپ دوم (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸)، ۸۴.
۳۷. «زبان» دایرة‌المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب ۲ جلد (تهران: فرانکلین، ۱۳۴۵).

موقعیت گویش مازندرانی در خانواده زبانهای ایرانی (از دایرةالمعارف مصاحب)

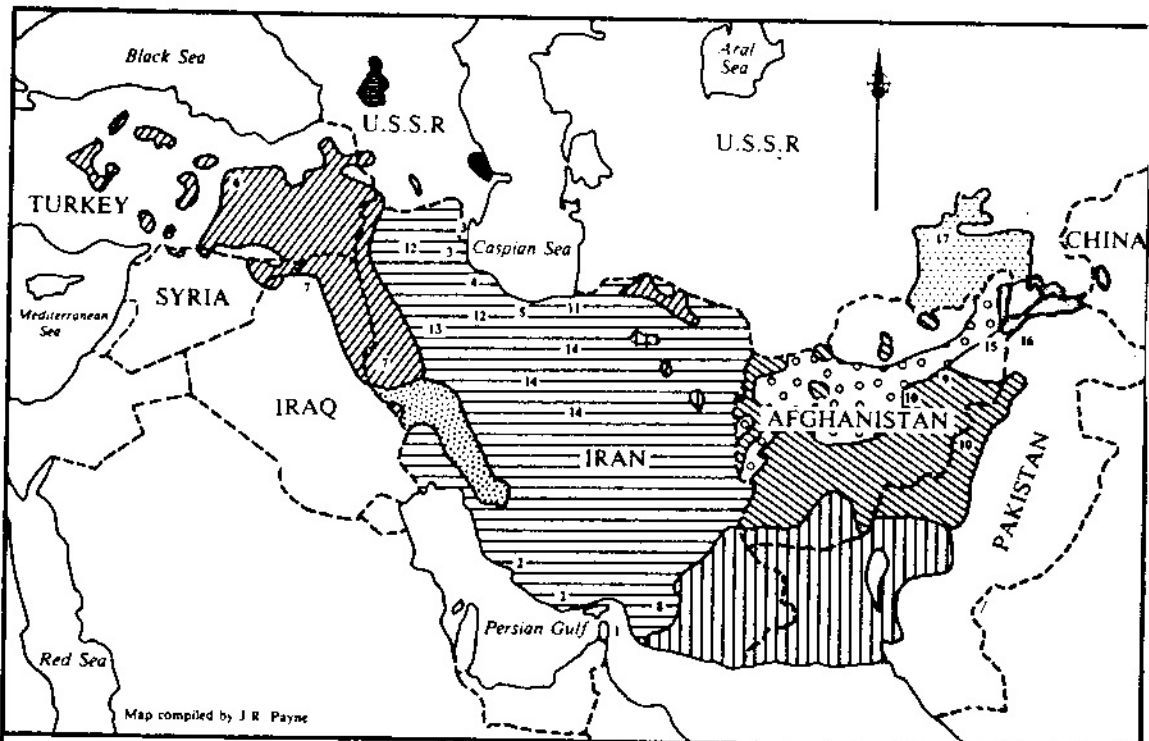
۱۱۶۷
جدول زبانهای سز قدیم
زبانهای هندواروپایی

(نقش ملاحظات را در دایره خطی ۱۱۶۶ بر ملاحظه کنید)

زبان		زبان	
ایرانی	ایرانی	ایرانی کهن	ایرانی کهن
		زبانهای میانه	زبانهای میانه
		زبانهای کنونی	زبانهای کنونی
		زبانهای میانه	زبانهای میانه
		زبانهای کنونی	زبانهای کنونی
هندی	هندی	هندی مرکزی	هندی مرکزی
		هندی شرقی	هندی شرقی
		هندی غربی	هندی غربی
		هندی مرکزی	هندی مرکزی
پارتی یا هلنی	پارتی یا هلنی	پارتی	پارتی
		هلنی	هلنی
		پارتی	پارتی
گروهی	گروهی	گروهی	گروهی
		گروهی	گروهی
گروهی	گروهی	گروهی	گروهی

توزیع منطقه‌ای گویش‌های ایرانی (از بین Iranian Languages) ۱۳۶۵-۱۳۶۶

Map 24. I: Approximate Distribution of Iranian Languages



Persian

Luri and Bakhtiari

Dari

Balochi

Tajiki

Ossete

Kurdish

Tati

Pashto

Pamir Languages*

1 Kumzari

10 Ormuri

2 Dialects of Fars Province

11 Semnani

3 Talishi

12 'Tar' dialects

4 Gilaki

13 Vafsi and Ashtiyani

→ 5 Mazandarani

14 Dialects of Central Iran

6 Zaza

15 Munji

7 Gurani

16 Yidgha

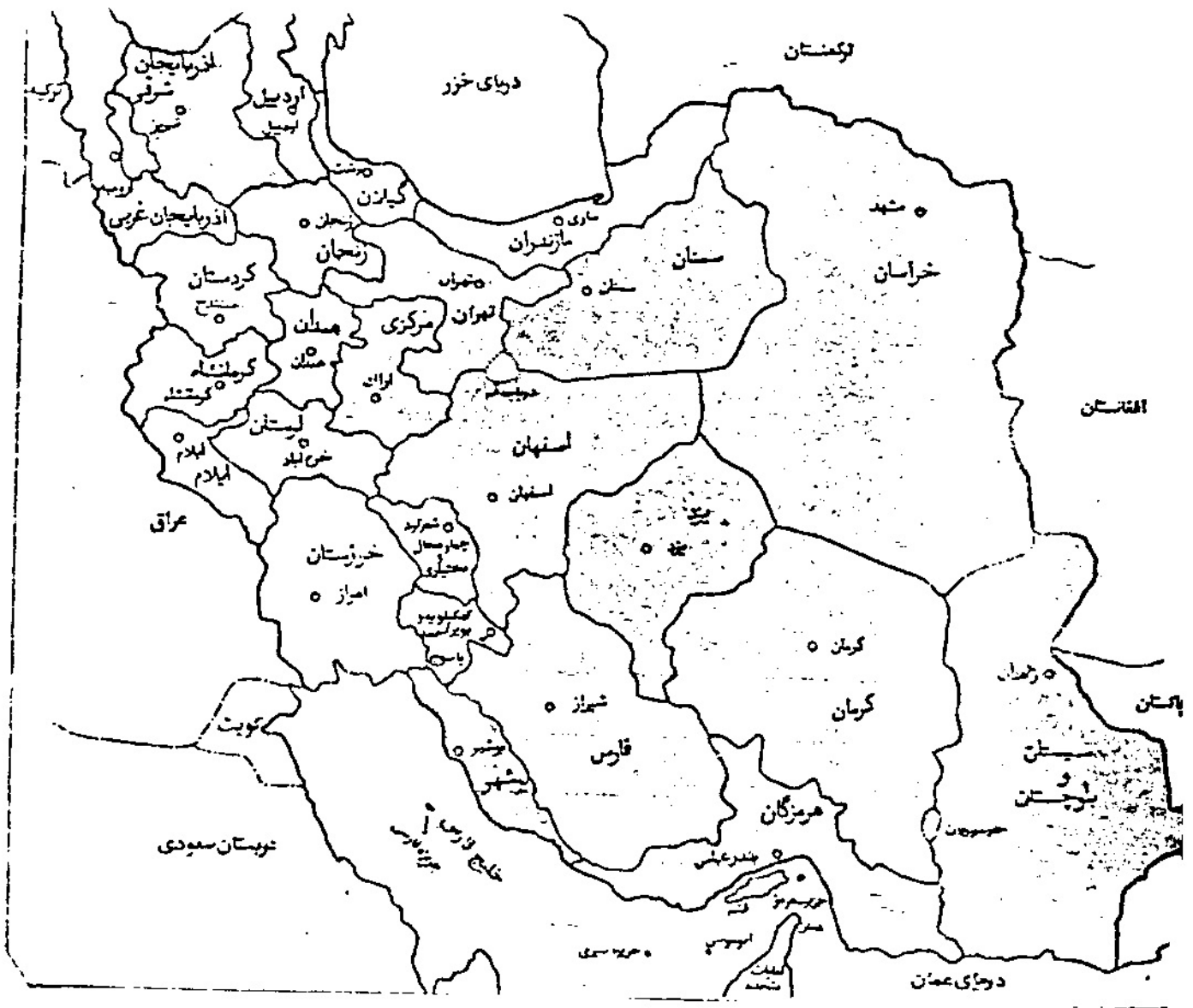
8 Bashkardi

17 Yaghnobi

9 Parachi

* Shughni, Roshani, Bartangi, Oroshori, Sankoli, Yazgulami, Wakhi, Ishkashmi, Sanglechi, Zebaki

استان مازندران در ایران



مأخذ : تعلیمات اجتماعی چهارم دبستان ، وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۷۴